

# مذاهب خرافی عامل

## عقب افتادگی هند

آنجا که ۳۳۰ میلیون خدا! بر افکار مردم حکومت می کند !!

شبه قاره هند که در جنوب آسیا قرار دارد و در حدود پنج میلیون کیلومتر مساحت آنست (۱) دارای تمدنی پنج شهزار ساله است . (۲) هند که سرزمین «عجائب و غرائب» لقب گرفته همواره مرکز مکتبهای متضاد و آئینهای گوناگون بوده به قول «ویل دورانت» کلیه مراحل از بت پرستی گرفته تا باریکترین مرحله مشربوحیت

وجود را طی کرده است ، (۳) این سرزمین با همه قدمت تاریخی و شرائط زیستی که دارد کمتر رنگ خوشبختی و رفاه به خود دیده بیشتر شاهد فقر و نابسامانیهای اجتماعی بوده است .

رمز این بدبختی و عقب افتادگی را باید در نادرستی نظام حاکم و طرز تفکر های غلط و

(۱) در این محاسبه تمام شبه قاره هند یعنی هند ، پاکستان ، کشمیر ، جامو ، بوتان و ... در نظر گرفته شده است .

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت کتاب اول بخش دوم ص ۵۷۸ .

(۳) همان مصدر ص ۵۷۳

لحاظ محتوی و چه از جهت بنیان گذار و زمان پیدایش نیازمند به فرصت زیادی است و فعلا از عهده این سلسله مقالات بیرون است ولی نشان دادن مشخصات کلی این ادیان که تأثیر مستقیم در وضع مردم این منطقه داشته است ضروری بنظر میرسد تا از این رهگذر فلسفه عقب ماندگی و استعمار زدگی مردم این بهمنه وسیع و زرخیز در طول تاریخ و آسادی این محیط برای پذیرش اسلام روشن گردد.

### مقام الوهیت !!

گرچه در برخی از این مذاهب در مقام تعلیم ؛ سخنی از خدا به میان نیامده لیکن در بعضی دیگر همانند هندوئیسم و درهمه آنها در مقام عمل اصل پرستش و اعتقاد به خدا آشکارا به چشم میخورد ؛ هندوئیسم تصریح میکند : در جهان يك روح مطلق و مجرد وجود دارد که از ازل بوده و تا ابد نیز خواهد بود و او مبدأ اصلی هستی و علة العلل آفرینش و همچنین منتهی و معاد تمام موجودات است .

این گوهر علوی ازلی به وسیله سه خدا در عالم ظاهر شده و اعمال خود را جلوه گر ساخته است و آن آله سه گانه که به زبان سانسکریت «تریمورتی» میگویند عبارتند از :

- ۱ - « برهما » آفریدگار موجودات ؛
- ۲ - « ویشنو » نگهدارنده موجودات ؛
- ۳ - « شیوا » هلاک کننده موجودات ؛

بخصوص مذاهب آمیخته با انواع خرافات مردم این منطقه جستجو نمود .

### دورنمای هند ؟

هنگام ظهور و گسترش اسلام ، در قسمت های جنوب و شمال هندوستان افرادی همانند «هارشا» و «پولاکشین» و «کومارا» حکومت میکردند که تا حدود زیادی از لیاقت و برقراری عدالت اجتماعی برخوردار بودند اما نه جانشینان آنان چنین لیاقتی را داشته اند و نه بودن زمامداران لائق با برنامه های نادرست جاری مملکت میتواند کاری از پیش برده کشور را از سقوط و بدبختی حفظ نماید .

در هیچ کشوری به اندازه هند مذهب نقش اساسی در زندگی مردم نداشته و ندارد و چون مذاهب رائج هند مردم را به بیملاقگی به دنیا و نظام طبقاتی و بدبینی به زندگی و پای بند بودن به انواع خرافات دعوت میکرد از این رفق، نابسامانی اجتماعی و مورد هجوم اقوام و ملل دیگر بودن برای آنها امری طبیعی بود و تلاش زمامداران لائق با چنین برنامه ها و طرز تفکر سودی نداشت .

### مذاهب هند

سرزمین هندوستان را باید سرزمین اضداد و مذاهب نام نهاد در این سرزمین ۱۷۹ زبان و ۵۴۴ لهجه و قریب صد کیش وجود دارد (۱) که مهم ترین آنها آئینهای : هندوئیسم ، بودیسم و جینیسم میباشد .

گرچه بررسی هر کدام از این کیشها چه از

(۱) هند : سرزمین عجائب ص ۹۰

است زیرا کشتن میمون در مذهب هند و، با کشتن انسان برابر است و دولت هند مجبور است هر چند وقت يك باره میمونهای مزاحم را سوار کامیون کرده آنها را دوازده شهر در جنگلها رها کند ولی دیگری نمیگذرد که میمونها از جنگل خارج شده مجدداً به شهرها هجوم میآورند و مزاحم مردم میشوند ا (۳)

درهیان حیوانات گاو بیش از همه شانس پرستش و احترام را دارد. چندی پیش بعضی از جرائد گزارش دادند که فرودگاه دهلی نو هشت ساعت بسته شد و علت آن این بود که جناب گاو در فرودگاه خوابیده و استراحت میکرد !!

احترام به این مظهر خدا ایجاب میکند که سرگین و درارش نیز مقدس باشد و خوردن آنها نیز مایهٔ ثواب و پاک کنندهٔ جسم و جان باشد! (۴) با آنکه گرسنگی جان ۱۵۰ میلیون هندی را تهدید میکند مردم هندوستان حاضر نیستند برای رفع گرسنگی و فرار از مرگ از ۱۵۰ میلیون گاو ۴۰ میلیون گاو میش، پنجاه میلیون اسب و چهل و چهار میلیون گوسفند موجود در هند استفاده کنند (۵)

\* \* \*

### تحریم کشاورزی و صنعت !!

اصل حلول و تناسخ ایجاب میکرد در آئین

البته هر کدام از این خدایان سه گانه همسرانی نیز دارند که به ترتیب عبارتند از «سری و تی» و «لکشمی» و «بروتی» و یا «کالی»!

از این خدایان سه گانه که بزرگترین خدایان هندوها هستند که بگذریم خدایان کوچکتری نیز وجود دارند که «جان ناس» از زبان عوام هند تعداد آنها را به ۳۳۰ میلیون بالغ میدانند! (۱)

هر قریه و خانواده و فردی برای خود خدای مخصوصی از جمادات و نباتات و حیوانات از قبیل گاو!؛ مار، فیل، شیر، طوطی، موش و... دارد و در برابر آنها پرستش نموده از آنها برای رفع حوائج و دفع بلاها کمک میخواهند و به افتخار آنها معابدی ساخته مراسمی انجام میدهند (۲) به گزارش زیر توجه فرمائید: «از معابد بسیار جالب توجه و بنا براس «معبد میمون» است که دارای بیش از ۵۰۰۰ میمون میباشد. این میمونها آزار زیادی به ساکنان شهر میرسانند و گاهی به غارت گریهای وحشیانه هم می پردازند چنانکه گویند: يك بار که گونی های برنج وارد شهر کردند میمونها به آن حمله ور شده و مقداری از آن را ربودند!

میمون برای دولت هند يك مسأله بزرگی شده

- (۱) تاریخ جامع ادیان ص ۱۹۵.
- (۲) تاریخ ادیان علی اصغر حکمت،
- (۳) هند سرزمین عجائب ص ۱۸.
- (۴) هند سرزمین عجائب ص ۶۷ - تاریخ جامع ادیان ص ۱۹۷.
- (۵) کیهان شماره ۱۷/۱۸/۴۵ تاریخ ادیان دکتر ترابی ص ۹۲.

بردن آنرا دارد حیات خوداوست یعنی انتحار (۲)  
**«جوزف گئر»** در کتاب «سرگذشت دینهای  
 بزرگ» در این باره ادامه میدهد: «اما دین  
 «ماهاویرا» (بنیان گذار آئین جین) دین همه مردم  
 گیتی نشد زیرا جینی ها اجازه ندارند زمین را  
 شخم کنند زیرا ممکن است جانور بی مقداری در  
 این میان کشته شود، آنان حق ندارند درختان را  
 قطع کنند و نیز اجازه ندارند در کارهای خود از  
 کوره و تنورا استفاده نمایند زیرا ممکن است حشره  
 و یا مگسی سوخته و کشته شود، اینان حتی حق  
 ندارند آب را به جوش آورند زیرا با جوشاندن  
 آب ممکن است به جانوری که به چشم نمی آید و  
 در آب موجود است گزند برسد

آنگاه اظهار نظر میکند: و بدینگونه اگر  
 تمامی مردم جهان پیرو این آئین میشدند دیگر کسی  
 برای پرداختن به کشاورزی و باغداری بر جای  
 نمی ماند، کسی نمیتوانست جامه ای بدوزد یا خانه  
 خویش را گرم کند یا از جایی به جای دیگر سفر  
 نماید و کوچکترین کاری از مردم ساخته نبود و اگر  
 چنین میشد دیری نمی پائید که همگان بر اثر گرسنگی  
 و تشنگی و نیز بر اثر سرما از میان میرفتند! «(۳)

\* \* \*

### ریاضت

اصولا در آئینهای هندی اصل اعراض از زندگی

«جینیسم» حیوانات بیش از خدمت مولی مورد احترام  
 باشند و آزار آنها تحت عنوان «اهیمسا» حرام  
 باشد.

طبق این اصل یک فرد دیندار هندی از هر عملی  
 که منجر به قتل و آزار حیوانات گردد اگر چه  
 موذی باشند (۱) باید احتراز نماید در نتیجه  
 کشاورزی و هر گونه حرفه و صنعتی که  
 ممکن است در ضمن آن حیوانی نابود  
 گردد از قبیل معماری، صنعت و ...  
**حرام و نامشروع خواهد بود!**

«ویل دورانت» در این باره چنین مینویسد:  
 «... کشاورزی در آئین «جین» تحریم شده  
 زیرا در عمل کشت و زرع، خاک زیرورو میشود و  
 حشرات یا کرهها را به تلاشی و نیستی میکشاند  
 یک دیندار تمام عیار آب را از صافی میگذراند تا  
 مبادا موقع نوشیدن آن حشراتی که در آب نهانند  
 نابود گردند و دهان خود را می پوشاند تا مبادا  
 موجود ذره بینی هوا حین تنفس به قتل رسد، و  
 چراغ خود را با توری می پوشاند تا حشرات را از  
 آسیب شعله مصون بدارد و موقع راه رفتن زمین را  
 جارو میکند تا مبادا زیر پای برهنه اش جاننداری  
 تلف شود، جین هرگز نباید حیوانی را بکشد و یا  
 قربانی کند. یگانه حیاتی که وی اختیار از بین

(۱) جینیها بخاطر رعایت اصل «اهیمسا»، حتی حیوانات موذی را نمی کشند تا جائیکه نوشته اند:  
 اینان برای آنکه از گزند ساسها در امان باشند افرادی را اجیر میکنند روزها در بستر آنها بخوابند و ساسها از  
 خون آنها سیر شوند تا شب هنگام آرام بخوابند (هند سرزمین عجایب ص ۶۳).

(۲) تاریخ تمدن ج ۲ ص ۶۱۴.

(۳) سرگذشت دینهای بزرگ ص ۶۸.

کودمی شوند ، برخی در گرمای نیمروز پیرامون خود آتش میافروزند ، بعضی پای برهنه بر آتش راه میروند ، یا آتش بروی سر خود میریزند ! بعضی با پیکری برهنه سی و پنجسال بر تخت میخ نشان می- خوابند ، برخی پیکر خود را هزار فرسنگ بر زمین می غلطانند تا بزیارتگاهها برسند ، بعضی خود را به درخت زنجیر میکنند ، یا در قفس زندانی میکنند تا بمیرند ، برخی تا گردن خود را در خاک دفن میکنند و به همین وضع چند سال یا تا پایان عمر می- مانند ، بعضی از میان دو گونه خود سیمی میگذرانند تا از حرکت آرواره جلو گیرند و بدینسان خود را به خوردن مایعات محکوم میکنند ، برخی مشتها را بهم قفل میکنند و چندان نگاه میدارند تا ناخنها از پشت دست بیرون زند ، بعضی يك دست یا يك پارا بالانگاه میدارند تا سرانجام خشک می شود و میمیرد ، بسیاری آرام در يك جامی نشینند و سالیان دراز برك و گردویی میخورند که مردم برای ایشان می آورند ، (۲)

حال چه عاملی چنین طرز تفکر و اعمال ناپسندی را برای مردم این سرزمین ارمغان آورده است ، نظرات مختلف است لیکن « نهر و » سیاستمدار معروف هند اینطور تحلیل می کند : « شاید افکار اعراض از زندگی و نفی آن بخاطر احساس محرومیت- ها و ناکامیهایی که از عوامل سیاسی و اقتصادی بوجود آمده ناشی شده است » (۳)

ولی در هر صورت همین سر به لاک خود فرو بردن و از زندگی رو بر گردان شدن مردم این منطقه را که بروی زرخیزترین مناطق کره زمین زندگی میکنند همواره فقیر و بدبخت ساخته و بیگانگان سالیان دراز دار و ندار آنها را به غارت بردند (۴) تا تمام

و ریاضت تأکید شده تا جائیکه رکن دوم آئین برهما چنین بیان شده است : « آنها که سلوک دارند ، و ریاضت میکشند و اعتقاد دارند در صحرا به ریاضت مشغول ، وزن و فرزند ندارند و ترك دنیا اختیار کرده اند ، آنها بعد از مرگ از میان آفتاب گذشته به جای بی مرگ و زوال میرسند و هر که خواهد برهما دان شود باید که جمیع عملها را بگذارد و پیش مرشدی برود تا برهما دان و «ویدا» دان گردد و هر کس که هیچ میل و هوا نداشته باشد ؛ از عالم آرزوها خلاصی یابد ، آثار حیات از بدن او به بدن دیگری پس از مرگ ، منتقل نمی شود ( یعنی روح او به شکل تناسخ تحویل و تحول نمی یابد ) و او خود برهما میگردد و بسوی برهما بازگشت میکند و جاودانی میشود و الا دائماً به تولدهای جدید و آلام حیات و وجود گرفتار است . . . » (۱)

پیروان این مذاهب برای تحقق این اصل بیک سلسله اعمال غیرعقلانه و خرافی دست میزنند که ویل دورانت آنها را اینطور بیان میکند : « می بینیم که مردان مقدس یا جوکی ها نشسته اند و تو گوئی مذهب و فلسفه هند در وجود اینان به آخرین و عجیبترین تجسم خود میرسد . شماره کمتری از جوکیها در جنگلها و کنار جاده ها بی حرکت و مستغرق در خود دیده میشوند ، برخی پیرو بعضی جوانند ، بعضی پلاس به شانه می اندازند ، بعضی لنگی به کمر می بندند . تن پوش برخی فقط خاکستر است که بر پیکر و میان موهای موج دار خود می- پاشند ، چهارزانومی نشینند و بی حرکت بر بینی یا ناف خود خیره می شوند ، برخی ساعتها و روزها يك راست به خورشید نگاه میکنند و آهسته آهسته

(۱) بودا چه می گوید . برهما کیست ؟ ص ۴۴ .

(۲) تاریخ تمدن ویل دورانت ج ۲ ص ۷۷۰ .

(۳) کشف هند ج ۱ ص ۱۳۸ . (۴) بودا کیست ص ۴۹ .